



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۲۷

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم »

محتویات

۱- حدیث اخلاقی

۲- اشاره به مباحث گذشته

۳- جمع بین روایات وجود سرایت و عدم آن

۴- حکم مراقبت و فرار از بیماری

۵- بیان دو فرع فقهی

۵.۱- حکم ازدواج با بیمار کرونایی

۵.۱.۱- حکم قرنطینه

موضوع: مسائل مستحدثه/سرایت در بیماری‌ها /جمع بین روایات

سرایت و عدم آن

۱- حدیث اخلاقی

در آستانه شهادت امام صادق علیه السلام رئیس مذهب هستیم.

عرض تسلیت به مناسبت شهادت ایشان داریم. بهترین عزاداری

تمسک به کلمات و سیره آن عزیزان است.

القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیر الله. [۱]

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس‌ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

دل حرم الهی است در این دل که حرم الهی است و حرم خدا
است جز خدا را ساکن نکنید و مسکن ندهید.

چند نکته فشرده از این حدیث

۱. قلب انسان عرش الهی است و مظهر تجلی انوار الهی است.
۲. این ظرف الهی و عرش الهی همانند خود خداوند نا محدود
است. دل انسان نا محدود است چون عرش الهی است و خدا نا
محدود است.

۳. هر قلبی نمی‌تواند حرم الهی باشد. کدام دل حرم الهی
است؟ دو امام **سلونی** [۲] گفتند یکی ولی الله مطلق امیر المؤمنین
علیه السلام و دیگری امام صادق علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: **قال: سألته عن قوله الله عز وجل ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [۳] قال: القلب السليم الذي يلقى ربه وليس فيه أحد سواه، قال: وكل قلب فيه شرك أو شك فهو ساقط وإنما أرادوا الزهد في الدنيا لتفرغ قلوبهم للآخرة. [۴]**
کسی دارای قلب سلیم است که خدا را ملاقات کند و کسی جز
خدا در او نباشد. باید تلاش کنیم که تعلقات را کم کنیم تا او در
دل انسان راه یابد.

مرحوم ملا مهدی نراقی صاحب کتاب‌های مختلف اخلاقی، در
کتاب طاقدیس فرمود:

خلوت دل چون همایون خلوتی است خلوت سلطان صاحب
حشمتی است

هر گدایی را در آنجا ره مده خار و خس در مسند سلطان منه
اگر برسیم که دل جایگاه خدا است از همه کس بی‌نیاز می‌شویم
جز خدا.

۲- اشاره به مباحث گذشته

در مسائل مستحدثه و بیماری‌های جدید بالاخص بیماری‌هایی
مانند کرونا احکام تکلیفیه و وضعیه داریم. در جلسات گذشته به

این نتیجه رسیدیم که سرایت را امری مسلم می‌دانیم. هم در روایات و هم در کلمات. موضوع حکم که بیاید حکم هم می‌آید.

۳- جمع بین روایات وجود سرایت و عدم آن

روایت امام کاظم علیه السلام به نقل از علی بن جعفر که سؤال کردم از وبا:

علي بن جعفر في كتابه ، عن أخيه موسى (عليه السلام) ، قال : سألته عن الوباء يقع في الأرض ، هل يصلح للرجل أن يهرب منه ؟ قال : يهرب منه ما لم يقع في مسجده الذي يصلّي فيه ، فإذا وقع في أهل مسجده الذي يصلّي فيه فلا يصلح له الهرب منه. [۵]

سرایت که آمد مراقبت‌های ویژه می‌آید، احکام تکلیفی برای شخص و برای جمع پیش می‌آید و احکامی مشترک بین جمع و فرد.

عدوی بیماری‌های قابل سرایت است. کسی از دیگری بیماری بگیرد. مسری دارای مراحل مختلف است. در فقه هم همین‌طور است.

روایاتی که دارد **لا عدوی** [۶] یعنی به ظاهر سرایتی نیست دو احتمال ارزشمند می‌تواند داشته باشد:

۱) یکی اینکه می‌گوید بیماری برای شتران آمده به ارزانی بخرم؟ فرمودند در این قضیه شخصیه که گمان می‌کردی سرایت هست نه سرایت نیست. در یک بیماری دو نظر هست که برخی می‌گویند سرایت هست و دیگر اینکه سرایت نیست. اما جایی که همه قائل به سرایت هستند متفاوت است.

۲) دیگر اینکه لا عدوی نفی عموم است نه اینکه عموم نفی باشد. ارزش احادیث به درایت و دلالت آن است. معنایش این است که نفی عموم است بدین معنا که سرایت عمومیت ندارد نه اینکه اصلاً سرایتی نیست. ادل دلیل علی امکان الشیء وقوعه. پزشک می‌گوید سرایت هست و گرفتاری افراد مختلف حکایت از

همین دارد. ما باید موضوع شناسی و موضع شناسی کنیم و مورد را بشناسیم. باید در خارج بینیم افراد مبتلا شده اند و متخصصان نظرشان چیست؟ روایت عموم سرایت را نفی می کند نه اصل آن را. در واقع می خواهد بفرماید که امراض دو قسم هستند برخی مسری و برخی غیر مسری.

اگر ما بحث سرایت را بپذیریم که پذیرفتیم و قائل به مراتب سرایت شویم باید سراغ توابع سرایت شویم که هم احکام تکلیفی دارد و هم وضعی که وارد می شویم ان شاء الله.

عرض ما این است که علی بن جعفر اگر سؤال کرد آیا فرار کند از شهر و زمینی که وبا در آن هست و فرمودند تا در مسجدی که واقع در آن نشده فرار کند. ولی وقتی در اهل مسجدی که نماز می خواند واقع شد دیگر فرار نکند.

۴- حکم مراقبت و فرار از بیماری

برخی گفته اند وقتی بلا آمد یعنی مسجد پناهگاه است و در مسجد دیگر فرار لازم نیست. ما این را قبول نداریم. جواز فرار منافاتی با وجوب فرار ندارد. امثال سید یزدی صاحب عروه و برخی بزرگان مانند صاحب وسائل که کراهت فرار را مطرح کردند ولی گاه وجوب فرار است. در روایت مراد این است: فرار از زمینی که وبا در آن هست اشکال ندارد؟ اگر بیماری فراگیر شد طوری که مسجد محله هم وبازده شدند دیگر فرار نکنید. وقتی این بلا فراگیر شد صلاحیت فرار نیست چرا که بیماری مسری است و در جای دیگر باعث سرایت می شود. این فرد چون ناقل بیماری است اشکال دارد. تا شایع نشده فرارش عیبی ندارد ولی شایع که شد جایز نیست.

محمد بن علي بن الحسين في (العلل) : عن محمد بن موسى المتوكل ، عن السعد آبادي ، عن البرقي ، عن ابن محبوب ، عن عاصم بن حميد ، عن علي بن المغيرة قال : قلت لأبي عبد الله (

عليه السلام) : القوم يكونون في البلد فيقع فيها الموت ، الهـم أن يتحوّلوا عنها إلى غيرها ؟ قال : نعم.

قلت : بلغنا أنّ رسول الله (صلى الله عليه وآله) عاب قومًا بذلك ؟ فقال : أولئك كانوا ربيّة يـزاء العدو ، فأمرهم رسول الله (صلى الله عليه وآله) أن يثبتوا في موضعهم ، ولا يتحوّلوا منه إلى غيره ، فلمّا وقع فيهم الموت تحوّلوا من ذلك المكان إلى غيره فكان تحويلهم من ذلك المكان إلى غيره كالفرار من الزحف. [٧]

مرحوم صاحب وسائل بابی زدند به نام جواز فرار از این گونه بیماری‌ها.

اهل عامه چندین روایت در صحیح مسلم آورده‌اند که چند تا به اسامة بن زید بر می‌گردد.

أخرج الشيخان بسنديهما عن أسامة بن زيد - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : "الطاعون رجس أرسل على طائفة من بني إسرائيل -أو على من كان قبلكم- فإذا سمعتم به بأرض فلا تقدموا عليه، وإذا وقع بأرض وأنتم بها لا تخرجوا فرارا منه". قال أبو النضر: لا يخرجكم إلا فرارا منه. [٨]

((صحیح البخاری رقم الأنبياء) ، (صحیح مسلم - السلام، ب الطاعون والطيرة رقم ٢٢١٨ وما بعده) .

نباید بگوئید بروم که سالم بمانم.

هم کسی که بماند و هم کسی که برود فتنه و آزمایش است.

نقل عن ابن مسعود أن الطاعون فتنة على المقيم و الفار يقول المقيم أقمت فمت و يقول الفار فررت فنجوت و انما فر من لم يحضر أجله و أقام من جاء أجله فمات (انما نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن ذلك لمكان ربيّة). [٩]

از مجموع این روایات ما جواز فرار را می‌فهمیم ولی جواز فرار به معنای کراحت نیست بلکه به معنای مطلق است. جواز به معنای

مطلق با وجوب و غیر آن می‌سازد به مبنای اصولی ما. با اباحه و استحباب می‌سازد و با حرام فقط سازگاری ندارد. فرار به نظر ما وجوب دارد. اینکه پزشکان می‌گویند فاصله را رعایت کنید یعنی فرار از بیماری.

ابن المتوکل ، عن سعد ، عن ابن هاشم ، عن الحسين بن الحسن القرشي ، عن سلمان بن جعفر البصري ، عن عبدالله بن الحسين بن زيد ، عن أبيه عن الصادق ، عن آبائه : قال : قال النبي ۹ : إن الله كره لكم أيها الأمة أربعاً وعشرين خصله ، ونهاكم عنها . وساق الحديث إلى أن قال : . كره أن يكلم الرجل مجذوماً إلا أن يكون بينه وبينه قدر ذراع وقال : فر من المجذوم فرارك من الاسد. [۱۰] به لحاظ اخلاقی باید رعایت شود که به بیمار جسارت نشود ولی بحث فقهی متفاوت است. اینکه الحمدلله را در ملاقات بیمار بلند نگویند. که برخورد به بیمار نکند. این قدر اسلام مراعات می‌کند. ولی باید رعایت کرد.

ذراع یعنی نیم متر فاصله داشته باش. چقدر اسلام دقیق است. همه می‌گویند بیماری پوستی بدون ملاقات پوستی منتقل نمی‌شود. مانند فرار از شیر از او فرار کن.

۵- بیان دو فرع فقهی

چند بحث پیش می‌آید که عرض می‌کنیم:

۵.۱- حکم ازدواج با بیمار کرونایی

اگر بیمار کرونا در حال عقد کردن است. یا نامزد است و عقدی می‌خواهد صورت گیرد و پزشک می‌گوید احتمال سرایت هست، آیا وظیفه‌اش هست طرف مقابل این عقد را قبول نکند؟ اگر به سرایت اهمیت دادیم می‌تواند در تراحم با وجوب و حرمت اولویت داشته باشد؟ بزرگانی از فقها در گذشته برای برخی عیوب در نکاح قائل به فسخ از سوی زن شدند. از جمله جذام. مرحوم علامه در قواعد سخنی دارند که مؤید این است:

ولو قيل بأن للمرأة الفسخ بالجذام في الرجل أمكن، لوجوب
التحرز من الضرر، فإنه (عليه السلام) قال: " فر من المجذوم
فرارك من الأسد ". [١١]

عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: انما يردّ النكاح من
البرص و الجذام و الجنون و العفل. [١٢]

عفل بیماری است که مزاحمت برای همبستری است. [١٣]
الصادق (عليه السلام) في خبر أبي بصير: خمسة لا يؤمّن الناس
على كلّ حال: المجذوم و الأبرص و المجنون و ولد الزنا و
الأعرابي. و قول أمير المؤمنين (عليه السلام) في حسن زرارة: لا
يصلّين أحدكم خلف المجذوم و الأبرص و المجنون و المحدود و
ولد الزنا و الأعرابي لا يؤمّ المهاجرين. [١٤]

این روایت، بیماری غیر مسری هم دارد. و باب جدیدی است.

١.١.٥- حکم قرنطینه

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم،
عن أبي عبد الله (عليه السلام): قال: مر علي بن الحسين (صلوات
الله عليهما) على المجذمين وهو راكب حماره وهم يتغدون فدعوه
إلى الغداء، فقال: أما إني لولا أني صائم لفعلت فلما صار إلى منزله
أمر بطعام، فصنع وأمر أن يتنوقوا فيه، ثم دعاهم فتغدوا عنده و
تغدى معهم. [١٥]

اینجا برخورد با بیماری مسری نشد و ملاقات صورت گرفت.
حضرت با اینها رفت و آمد کردند. اینجا خواستند مسأله اخلاقی
مطرح کنند. یا مراقبت‌هایی داشتند.

اگر مراقبت نشود مفسده دارد.

مرحوم صاحب وسائل کراهت حذر را دارند ولی ما وجوب حذر
را قائل هستیم. جواز بالمعنی الاعم است که با وجوب سازگار
است.

وقال صلى الله عليه وآله: " لا يورد ممرض على صحيح " [١٦]

چند آدرس برای مراجعه:

خصال صدوق، باب ۲۸

جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۲۶۹

قواعد، ج ۳، ص ۶۸

من لا يحضر، ج ۳، ص ۵۵۷

مجمع البحرين مرحوم طریحی برای واژه شناسی روایات کتاب خوبی است مانند نهاییه ابن اثیر که در اهل سنت چنین است.

عدوی را می فرماید آنی که قابل سرایت باشد.

وفی الحديث: (لا عدوی ولا طيرة) أي لا يتعدی الامراض من شخص إلى آخر، ولا طيرة أي لا يتشاءم بالشئ إذا لم يوافق الحال، فالعدوی اسم من الاعداء كالعدوی والتقوی من الادعاء والاتقاء. يقال: أعداه الداء يعديه إعداء وهو أن يصيبه مثل ما يصاحب الداء، وذلك أن يكون بغير جرب مثلاً فيتقى مخالطته بابل أخرى حذراً أن يتعدی ما به من الجرب إليها فيصيبها ما أصابه وقد أبطله الاسلام، لانهم كانوا يظنون أن المرض بنفسه يتعدی، فأعلمهم صلى الله عليه وآله أنه ليس كذلك وإنما الله هو الذي يمرض وينزل الداء. ولهذا قال في بعض الاحاديث: (فمن أعدى الاول) أي من أين صار فيه الجرب. وما روي من قوله صلى الله عليه وآله: (فر من المجذوم فرارك من الاسد) ونهيه عن دخول بلد يكون فيه الوباء، وقوله: (لا يورد ذو عاهة على مصح) فيمكن توجيهه بأن مدانة ذلك من أسباب العلة فليتقه اتقاءه من الجدار المائل والسفينة المعیوبة. [۱۷]

پس ما قائل به وجوب حذر هستیم. نتیجه اینکه مریضی های مسری هم برای خود مریض مراقبت لازم است که بر سالم ها وارد نشود و هم فرد سالم نباید با او رفت و آمد داشته باشد و باید مراقبت کند.

عنوان قرنطینه الآن از همین عدم ملاقات است. قرنطینه گاهی عمومی است و گاهی شخصی. از مجموع اینها حداقل وجوب قرنطینه شخصی استفاده می‌شود. نظریه فقهی این است که يجب علی المريض و علی المراقب و غیر آنها که موضوع سرایت مسلم است. بله اگر کسی نمی‌داند مریض است موضوع دیگری است. موضوع سرایت را از جامعه می‌گیریم یا جامعه عمومی یا جامعه پزشکی. احتمال ضرر منجز است ولو نمی‌داند مریض هست یا نه.

-
- [۱] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۷۰، ص ۲۵.
- [۲] مستدرک سفينة البحار، النمازي، الشيخ علي، ج ۳، ص ۱۰۰.
- [۳] شعراء/سوره ۲۶، آیه ۸۹.
- [۴] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ۲، ص ۱۶.
- [۵] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۴۳۱، أبواب وجوب الفرار من الوباء، باب ۲۰، ح ۵، ط آل البيت.
- [۶] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۳۷۰، أبواب احكام الدواب في السفر وغيره، باب ۲۸، ح ۱، ط الإسلامية.
- [۷] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۴۳۰، أبواب وجوب الفرار من الوباء، باب ۲۰، ح ۲، ط آل البيت.
- [۸] الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور، حكمت بشير ياسين، ج ۱، ص ۱۶۶.
- [۹] شرح الكافي، المازندراني، الملا صالح، ج ۱۲، ص ۴۳.
- [۱۰] الأمالي، الشيخ الصدوق، ج ۱، ص ۳۷۸.
- [۱۱] قواعد الأحكام، العلامة الحلي، ج ۳، ص ۶۸.
- [۱۲] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۴، ص ۵۹۴، أبواب العيوب و التدليس، باب ۱، ح ۱۰، ط الإسلامية.

- [۱۳] لسان العرب، ماده «قرن»، ج ۱۳، ص ۳۳۵.
- [۱۴] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۴۰۰، أبواب صلاة الجماعة، باب ۱۵، ح ۵، ط الإسلامية.
- [۱۵] الكافي - ط الإسلامية، الشيخ الكليني، ج ۲، ص ۱۲۳.
- [۱۶] عوالي اللئالي، ابن أبي جمهور، ج ۱، ص ۴۴۷.
- [۱۷] مجمع البحرين، الطريحي النجفي، فخر الدين، ج ۳، ص ۱۳۸.

